

کارکردهای اعتقاد به امامزاده ها در ایران عصر ناصری (۱۲۶۴-۵۱۳۱۳ق)

منصور طرفداری*

چکیده

امامزاده‌ها به عنوان یکی از نمادهای هویت بخش شیعی، در پیوند با معتقدات مذهبی و فرهنگی، به ویژه ازدوره صفوی یکی از اجزای لاینفک جامعه ایرانی-اسلامی به شمار رفته‌اند. در این میان، عهد ناصری بنا به دلایلی چون تاثیر ثبات نسبی اوضاع سیاسی، اهتمام حکومت و قشرهای مختلف مردم به ساخت و تعمیر بنای مزار امامزادگان و نیز گسترش روزافزون امر زیارت، از اهمیت زیادی برخوردار است. کثرت بقاع امامزادگان و توجه اقشار مختلف جامعه به آنها، پرسش‌های اساسی را در مورد جایگاه و نیز کارکردهای آنها مطرح می‌سازد. بر این اساس، پژوهش پیش رو کوشش کرده با جمع آوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و نقد و بررسی آنها، به پرسش‌های تحقیق از زوایای مختلف پاسخ دهد. در نهایت، یافته‌های تحقیق ضمن آنکه بیانگر کارکردهای گوناگون امامزاده‌ها در زمینه‌های مختلف اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و غیره است برخی از ابعاد فلسفه وجودی آنها را نیز نشان می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: ایران، امامزاده‌ها، عصر ناصری، مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار گروه ایران‌شناسی و تاریخ، دانشگاه میبد، tarafdari.mansour@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۳۰

۱. بیان مسئله تحقیق

در فرهنگ شیعی امامزاده عنوان واحدی است که بر فرزندان و اعقاب امامان معصوم در قالب سادات حسنی، حسینی، موسوی، رضوی و نظایر آن و نیز بر مدفن و بنای متعلق به آنها اطلاق می شود (دائرة المعارف شیعی، ۱۳۷۱: ۳۹۲/۲). در طول تاریخ تشیع، اهتمام به مقابر امامان شیعه و امامزادگان در کنار ابعاد اعتقادی که خود تلفیقی از شعائر اسلامی و معتقدات دیرینه فرهنگی بود در تقابل با حکومت‌های ناهمسو با شیعه، رنگ سیاسی نیز به خود گرفت و به عنوان یک عامل هویت بخش و انسجام دهنده جامعه شیعی درآمد.

هر چند حاکمیت قاجار با نظام دینی صفویان تفاوت‌هایی داشت و با مسئله رسمیت بخشیدن مذهب تشیع در جامعه ایرانی مواجه نبود، اما شاهان قاجار در پیوند با اعتقادات خود و در تداوم رویکرد دیرینه شیعه به عنوان شاهان مهمترین کشور شیعی در اهتمام به اماکن مقدس، راه صفویان را دنبال کردند. در این میان، باید اذعان نمود که جامعه عهد ناصری از یکسو به نحو بارزی شاهد اهتمام بیش از پیش حکومت و قشرهای مختلف اجتماع به ساخت و تعمیر اماکن مقدس از جمله امامزاده‌ها بود. از سوی دیگر، تحت تاثیر مواردی چون ثبات نسبی و اقدامات مجدانه حکومت در ایجاد و بازسازی راه‌ها و نیز تامین امنیت نسبی آنها شاهد رشد فزاینده زیارت و سفرهای زیارتی نیز گردید. کثرت امامزاده‌ها و درهم تنیدگی آنها با مسائل مختلف فرهنگ ایرانی فارغ از مباحثی چون اصالت یا عدم اصالت آنها، بررسی چیستی کارکردهای خواسته یا ناخواسته آنها را به عنوان پرسش اساسی مطرح می‌سازد که تا کنون چندان به آن پرداخته نشده است. بر این اساس، تلاش شده با جمع آوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و نقد و بررسی آنها، اتخاذ روش شناسی متناسب با موضوع و در مواردی استفاده از دیدگاه‌های بین‌رشته‌ای مسئله اصلی تحقیق را روشن نماید.

۲. ادبیات تحقیق

درهم تنیدگی بحث امامزاده‌ها با ابعاد مختلف فرهنگ و جامعه ایرانی باعث شده تا محققان متعددی آن را از زوایای گوناگون بررسی کنند. در این زمینه، می‌توان به مقاله ارزشمند و برآمده از مطالعات میدانی تحت عنوان «مبانی معماری مقابر و امامزادگان در ایران» نوشته مسعود بهزادی اصل و همکاران ایشان (۱۳۹۷) اشاره کرد. بررسی عوامل اثر گذار بر معماری

بنای امامزادگان در دوره اسلامی، سیر و تحول تاریخی و نیز اشکال مختلف فضای کالبدی آنها از محورهای اصلی پژوهش مذکور است. همچنین، بحث زیارت رجال سیاسی ایران و انگیزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی آنان از سفرهای زیارتی و البته پیامدهای آن موضوع پژوهشی است با عنوان «انگیزه‌ها و پیامدهای سفر زیارتی بلندپایگان سیاسی قاجار به عتبات و حج» که توسط نفیسه واعظ (۱۳۹۶) نگاشته شده است. حسین هاشمی و علیان (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «سنت دفن مرده در جوار مزارات متبرکه شیعه از نگاه سفرنامه نویسان اروپایی» به سنت دفن اموات در اماکن مقدس از جمله در جوار مزار امامان و امامزادگان از منظر سفرنامه‌های اروپائیان از صفویه تا قاجار پرداخته‌اند. این پژوهش ضمن بررسی معتقدات دینی پیرامون دفن شدن در کنار اماکن مقدس و تمایل گسترده مردم به این امر، واکاوی نقش پایگاه طبقاتی و تمکن مالی افراد در دفن اموات پیرامون اماکن مقدس را نیز از نظر دور نداشته است. سلطانی مقدم و اصلانی مقدم (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «نقش و اهمیت مذهبی، فرهنگی و اجتماعی راه عتبات (قم - قصر شیرین) با تکیه بر رفت و آمد زائران شیعی در دوره قاجار» ضمن بررسی تاریخچه جاده قم - قصر شیرین از دوره صفوی تا قاجار و تشریح اهمیت این جاده در زمینه‌های مختلف از جمله تردد کاروان‌های زیارتی حج و عتبات، نقش و تاثیر مسیر مذکور را در تبدلات فرهنگی و اجتماعی عصر قاجار مدنظر قرار داده‌اند. در نهایت، مقالاتی هم با رویکرد اعتقادی صرف با تاکید بر مباحثی چون نسب امامزادگان و نیز کرامات آنها نگاشته شده‌اند که برای مثال می‌توان به مقاله محیطی اردکانی (۱۳۷۷) تحت عنوان «امامزادگان: امامزاده احمد بن قاسم» اشاره کرد. با عنایت به پیشینه تحقیق و در پیوند با آن پژوهش پیش رو می‌کوشد با با تحدید موضوع به عصر ناصری و پر کردن خلاء پژوهشی در باب کارکردهای اعتقاد به امامزادگان زوایایی از بحث را روشن نماید.

۳. کارکرد امامزاده‌ها در پیوند هنر و معماری با معنویت

مقوله هنر و معماری و پیوند آنها با معنویت همواره از مظاهر و جلوه‌های حیات اجتماعی ایران در زمینه‌های مختلف بوده است. همچنین، در فرهنگ ایرانی ساختن بنا بر روی قبر افراد به ویژه شخصیت‌های برجسته و وجود مناسکی در پیوند با آنها از قدمت و دیرینگی زیادی برخوردار است. گوردخمه‌های باقیمانده از شاهان هخامنشی در نقش‌رستم و مقبره کورش بانی امپراتوری هخامنشی که برغم سادگی و بی‌آلایشی همچنان با شکوه می‌نماید

از جمله مقابر باقیمانده از ایران باستانی هستند. تاثیرپذیری معماری مقابر اسلامی از اسلوب معماری مذهبی چهارتاقی در ایران باستان و فقدان سنت ساخت مقبره در میان اعراب مسلمان که با روایتی از پیامبر(ص) مبنی بر سادگی قبور و مخالفت جدی جریان‌هایی چون حنابله پیوند خورده، باعث شده تا سنت ساخت بنا بر روی قبور به فرهنگ ایرانی ارتباط داده شود. هرچند نظریاتی هم هستند که آن را برگرفته از سنت مقبره‌سازی رومی می‌دانند، اما درستی آنها دست کم در مورد ایران هنوز اثبات نشده است (مسعودی اصل و همکاران، ۱۳۹۷: ۷ و ۸).

واقعیت آن است که در جامعه عصر قاجار توجه خاصی به بنای امامزاده‌ها می‌شد، به گونه‌ای که فضای کالبدی آنها محل تلاقی انواع هنرها و سبک‌های معماری شده بود. برای مثال، حرم حضرت معصومه(س) در قم با کاشی‌کاری‌های مناره و سر در آن، طلاکاری‌ها و نقره‌کاری‌های زیبای ضریح مقدس و همین‌طور چهارصد چراغ مرصع بزرگ جهت روشنایی اتاقها و مدفن، چشم‌ها را خیره می‌ساخت (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۹۴). امامزاده‌ها و مقابر مقدس به عنوان یکی از نمادهای جامعه شیعی حتی در شرایط نابسامان اقتصادی و اجتماعی هم در اولویت جامعه قرار داشتند. مثلاً در قزوین برغم آنکه بناهای عمومی شهر چندان تعریفی نداشتند امامزاده شاهزاده حسین از معدود بناهای بود که شکوه خاصی داشت. گذشته از کاشی‌کاری‌های زیبای دیوار و گنبد آن، دیوارهای داخلی آن چنان حرفه‌ای آیین کاری شده بود که آن را به بنای با روحی مبدل ساخته بود. داخل حرم، زیر گنبد باشکوه آن ضریحی طلا گرفته که توسط محفظه‌ای نقره‌ای محصور شده بود و درب چوبی مثبت‌کاری شده‌اش جلوه خاصی بدان بخشیده بود (فوریه، ۱۳۸۵: ۹۲ و ۹۳). در نهایت، می‌توان گفت کم نبودند شهرهایی مثل گرگان که ساختمان امامزاده آنها در خورترین بنای شهر به حساب می‌آمد (کرزن، ۱۳۷۳/ ج ۱: ۴۵۷). براین اساس، در غالب مناطق ایران، اعتقاد و اهتمام مردم به مقابر مقدس زمینه تلفیق نگرش‌های اسلامی با معماری اصیل هر منطقه در زمینه هنرهایی چون گچ‌بری، خوش‌نویسی، مقرنس‌کاری، مثبت‌کاری، نقاشی، کاشی‌کاری و غیره را فراهم ساخت. به گونه‌ای که امروزه بنای آنها مجموعه‌ای ارزشمند از هنر و فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی به حساب می‌آید. افزون بر آن، همواره تاسیسات عام‌المنفعه نظیر وضوخانه، سقاخانه، دستشویی و گاه زائرسراها برای زائران و افراد در راه مانده و غریب بخش لاینفک برخی امامزاده‌ها به حساب آمده است.

در زمینه کارکرد امامزاده‌ها در تلفیق هنر و معماری با معنویت ذکر دونکته ضروری است: یکی آنکه امامزاده‌ها به دلیل پیوند با امامان (ع)، پیامبر (ص) و در نهایت با خداوند نوعی حیات قدسی می‌یافتند. از آنجایی که حیات قدسی وابسته به لاهوت است به دلیل جایگاه والایی که دارد نمی‌تواند با عالم ناسوت و دنیایی یکجا جمع شود، مگر در فضایی مقدس که از حیات معمولی مجزا باشد (دورکیم، ۱۳۸۳: ۴۲۳). نتیجه چنین امری ساختن مساجد، پرستش‌گاه‌ها و امامزاده‌ها بود که حرم آنها به عنوان به عنوان واسطه بین دنیای خاکی با عالم لاهوتی، مکان مقدسی به حساب می‌آمد.

همچنین، از آنجایی که امر مقدس، به عنوان امری به کلی متمایز از کار و بار زندگی عادی به حساب می‌آید (محدثی، ۱۳۸۱: ۶۰) بنابراین، درآمدن به مکان مقدس یعنی مواجهه با امر مقدس و جدا شدن از دنیای مملو از ناپاکی. در مکان مقدس امر بی‌نهایت دور از دسترس، به فرد معتقد نزدیک و بر او متجلی می‌شود، بدون آنکه خصلت دست نیافتنی بودنش از دست برود. البته، بحث قدسی بودن و پیوند آن با فضای کالبدی مرتبط با آن در غالب ادیان از جمله در زرتشتی‌گری نیز به شکل بارزی وجود دارد (هیوم، ۱۳۸۷: ۳۲۵).

نکته دیگر آنکه عناصر معماری هم در خدمت امر مقدس قرار می‌گرفتند، برای مثال، ایوان ورودی حرم با همه تزئینات و هنرهای به کار رفته در آن مرز بین دنیای آلوده به ناپاکی - ها و دنیای مقدس به حساب می‌آمد، بدین سبب، فرد به هنگام ورود به آستانه حرم مناسکی چون اذن دخول، تعظیم و سرفروود آوردن، لمس ثواب دار دست را انجام می‌داد (الیاده، ۱۳۷۸: ۲۵). سایر عناصر معماری چون: رنگ سبز که در نگرش مذهبی نشانه امید و انتظار نجات و فلاح تلقی می‌گردید، گنبد مبین تغییر نظام و مرتبه یعنی حرکت از زمین به آسمان و از نقص به کمال و از ممتناهی به لایتناهی به حساب می‌آمد (دوبوکور، ۱۳۷۳: ۱۰ و ۱۰۴) سرانجام، مناره‌ها که چونان دست‌های گشوده به سوی آسمان تلقی می‌شدند هم به گونه‌ای بیانگر مقدس بودن آن مکان بودند. در نهایت آنچه که به همه این موارد معنا می‌بخشید مناسک‌های مختلف زائران بود که در کنار خصوصیات فضای کالبدی به قولی: «با اخلاص سکوت آمیز توام با نوعی دل‌شکستگی، زمزمه دعا بر لبانشان جاری بود و امیدوار بودند مکانی در جایگاه رحمت خدا برای خویش فراهم کنند» (وامبری، ۱۳۷۲: ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۹۴).

۴. امامزاده‌ها: شفا خواهی، طلب حاجت و آمرزش

یکی از مباحث مهم و در هم تنیده با جامعه ایرانی در گذشته و حال مواردی چون شفا خواهی، طلب حاجت از اماکن مقدس بوده است که برغم اهمیت، پرداختن به آنها به دلیل ماهیت موضوع اندکی دشوار می نماید. این که مطابق با گزارش‌های تاریخی زائران با وجود موانع فراوان باحالتی پریشان و ذکرگویان رهسپار زیارت می شدند و حتی بسیاری از آنها به دلیل دشواری‌های سفر درگیر بیماری و مرگ می شدند (ریشارد، ۱۳۶۳: ۲۳۹) نشان از اعتقادات عمیق آنها داشت. در واقع، بر اساس طیف گسترده روایات شیعی زیارت مقابر مقدس گذشته از آنکه در مواردی ملاک شیعی بودن به حساب می آمد، مبنای مهمی نیز برای کسب ثواب فراوان، دستیابی به حاجات و آمرزش گناهان و دوری از عذاب الهی نیز محسوب می شد (قمی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). با اینهمه، مطابق با منابع تاریخی این دوره، گاه ذکر روایات ضعیف و بیان رویاها به گونه‌ای شور برانگیز و به مثابه امر واقع شده در برخی سخنرانی‌های مذهبی نیز تاثیر عمیقی بر عموم مردم در اقبال مردم به برخی امامزاده‌های محلی داشت (مستوفی، ۱۳۷۱/ ۱: ۲۷۶).

در زمینه بحث شفا خواهی و طلب حاجات بنا به برخی نظریات هر چند در مواردی شخصیت‌هایی که مورد زیارت واقع می شوند در زمان حیاتشان خود را فردی متمایز و قادر به اعمال خارق العاده معرفی نمی کنند، اما تصور این خصوصیات امری است که توسط دیگران تجربه می شود (اتو، ۱۳۸۰: ۲۸۷). بنابر این، در زیارت امامزاده‌ها گذشته از مناسک های عام و تجربه معنوی افراد با خواسته های متفاوت آنها به مثابه یک امکان رازآلود نیز مواجه هستیم. یکی از این خواسته‌های زائران از امامزاده‌ها شفایافتن خود یا وابستگان‌شان از بیماری و درخواست سلامتی بود. البته، سنت شفا خواستن از نیروهای برتر از کهن ترین ایام در غالب ادیان و فرهنگ‌ها یافت می شود، برای مثال، آشوری‌ها برای معالجه درد دندان به معابد خود متوسل می شدند (الیاده، ۱۳۹۶: ۴۸).

برای بررسی ریشه کارکرد شفا بخشی امامزاده‌ها باید به سه نکته اساسی توجه کنیم: یکی از منظر کلی حضور ادیان در همه حوزه های زندگی بشر از جمله مساله سلامتی و بیماری‌ها در قالب روایات و ادعیه و غیره باعث شده توقع تندرستی بواسطه دین از خداوند یکی از خواسته های مومنان به حساب آید. دیگری بحث قدسی بودن امامزاده‌ها بود که در نتیجه پیوند با خدا از طریق امامان معصوم و پیامبر (ص) حاصل شده بود. حدیثی از حضرت پیامبر (ص) خطاب به امام علی (ع) نقل شده که بخشی از این ارتباط را نشان می دهد: هر

که من یا تو، یا فاطمه (س)، یا حسن (ع)، یا حسین (ع) را در مدت زندگی یا پس از مرگمان زیارت کند، همچون کسی است که خدا را در عرش او زیارت کرده ...» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ ه.ق: ۴/۸۳)، درکنار آن حدیثی که ثواب زیارت حرم حضرت عبدالعظیم (س) در ری را با زیارت آرامگاه امام حسین (ع) یکسان دانسته (قمی: ۴۴۶ و ۴۵۰) به سادگی این تعمیم قدسی بودن را نشان می‌دهد. براین اساس، امامزاده‌ها نیز گونه‌ای از سمبل‌های قابل لمس عالم لاهوتی به حساب می‌آمدند و به سبب ارتباطی که با اسرار ماوراء الطبیعه داشتند در زمینه شفا دادن، اجابت حاجات و غیره مورد توجه قرار گرفتند. در نتیجه همان کارکردی که آستان مقدس امام رضا (ع) در شفای بیماران داشتند، از دید مردم هر منطقه امامزاده‌های دیگر مثلاً امام زاده کلیدر نزدیک لنگرود نیز در سطحی پایتتر داشتند (مکنزی، ۱۳۵۹: ۳۳).

در نهایت، برای تبیین ارتباط شفا خواهی و درخواست علاج بیماری‌ها از امامزاده‌ها فارغ از مقوله اعتقادی باید نگاهی هم به طب و توانایی‌های آن در مواجهه با بیماری‌ها در این دوره انداخت. جامعه ایرانی در این دوره درگیر بیماری‌های متنوعی چون حصبه، وبا، سل، آبله و غیره بود که دانش طب برغم وجود اطباء حاذق در کلیت خود از درمان آنها ناتوان بود. درشرایطی که زبده‌ترین اطباء دربار در درمان بیماری شاه بر اثر تجویز اشتباهی خود و نیز مخفی کردن تب بالایش، او را تا آستانه مرگ کشاندند (فوریه: ۲۵۹، ۶۷) تکلیف توده‌های مردم روشن بود. گستردگی بیماری‌ها مردم را به کارهایی چون تجویز دارو برای یکدیگر، طلب یاری از افراد سودجوی نا آگاه از علت بیماری‌ها نظیر دراویش و تمسک به جادوگران و طلسمات آنها واداشت (ریشارد، ۱۳۶۳: ۷۹).

در این شرایط بیماران نا امید از اطباء راهی امامزاده‌ها می‌شدند تا مگر با اعجاز آنها شفا و بهبودی حاصل نمایند. از جمله این امامزاده‌ها سیداحمد در اصفهان بود که کرامت و خرق عادت از آن سرمی‌زد و بواسطه توسل، امراض لاعلاجی را شفا داده بود (افضل الملک، ۱۳۸۰: ۷۹). در یزد دوره ناصری شایع شد دختری توسط امامزاده سید جعفر از مرضی لاعلاج رهایی یافته است (شفاء السلطنه، ۱۳۶۶: ۶۲). این دست روایات رایج که امامزاده‌ها فردی را شفا داده‌اند برجایگاه و اهمیت آنها تاثیر اساسی داشت و خیل زائران مشتاق را به سوی آنها روانه می‌ساخت. هرچند به هنگام رواج بیماری‌های مسری تجمع مردم و حشمت زده شهر و روستا در امامزاده‌ها زمینه ساز سرایت امراض می‌گردید که گاه موجب مرگ افراد زیادی می‌شد (سرنا، ۱۳۶۲: ۳۳۸).

در زمینه طلب حاجت باید گفت انسانها همواره مشکلات، خواسته ها و آرزوهایی دارند که در پیوند با شرایط ساختار سیاسی، اجتماعی می کوشند با تلاش و پشتکار یا از راه‌هایی مختلفی چون توسل و تضرع به اماکن مقدس به آنها دست یابند. براین اساس، یکی از کارکردهای مهم امامزاده ها برطرف کردن حاجات و رفع آلام و گرفتاری‌ها بود. مطابق با باورهای جامعه شیعی اگر کسی در اماکن مقدسی چون حرم حضرت معصومه (س) به شکلی صحیح دعا بخواند، حاجتش برآورده می شود (بروگش: ۱۹۵). البته خواسته‌های طبقات مختلف مردم از این مکان مقدس متفاوت بود، مثلاً گفته شده مهم ترین خواسته فتحعلیشاه در جوانی رسیدن به سلطنت بود (قاضیها، ۱۳۸۱: ۲۷۰). خواسته های زنان مواردی چون جلب محبت شوهر و تحکیم زندگی زناشویی و صاحب فرزند شدن بود (بروگش: ۱۹۵). دست کم بخشی از خواسته های زنان ریشه در مسائل اجتماعی داشت که باعث احساس نوعی بی پناهی در آنان می گردید. از جمله مواردی چون مشکلات زنان بیوه، عدم رعایت تناسب سنی در ازدواج، تعدد زوجات، ازدواج در سنین پایین و گاه در کودکی و مشکلات جسمی و روحی ناشی از آن، کتک زدن زنان توسط برخی مردان که مداخله در آن به عنوان دخالت در امور داخلی افراد امری ناپسند به شمار می رفت (ریشارد: ۲۵۶). در زمینه چگونگی زیارت و طلب حاجات گزارشی جالب از همان حرم مقدس حضرت معصومه (س) در دست است که مطابق با آن داخل مقبره همواره مملو از جمعیت بود که به تضرع، دعا و خواندن زیارت‌نامه مشغول بودند. زائران درحالی ملتسمانه به آرامی پیشانی خود را به ضریح مقدس می چسباندند، خیره به قبر زیر لب دعا می خواندند و خواسته های خود را از آن حضرت مطرح می ساختند (قاضیها: ۲۲۹).

یکی از راه های طلب حاجات بستن پارچه به ضریح یا به درختان نزدیک امام زادگان بود که به سبب افتادن نگاه یا تماس فرد مقدس با آنها نظر کرده تلقی می شدند. البته رسم حاجت خواهی هم چون شفا طلبی در معتقدات دیرینه فرهنگی وجود داشت، چنانکه هنوز هم زرتشتیان در اماکن دینی خود نظیر پیرسبز که ریشه در آیین میترائیسم دارد با بستن پارچه حاجت می طلبند. بستن پارچه بر سرو کهنسال و چند هزار ساله ابرکوه هم می تواند ریشه در تقدیس درختان داشته باشد. در نهایت، اینکه مردم بر بوته‌های مقبره کورش که در آن زمان به مادر حضرت سلیمان معروف بود پارچه‌هایی راجهت حل مشکلاتشان دخیل می بستند (بروگش: ۲۲۶) می توانست حاصل تداوم معتقدات دوران باستانی نیز باشد.

در زمینه توبه و آمرزش خواهی، مقوله ترس از مرگ که به قولی حاصل نگرانی از دست دادن چیزهای خوب زندگی و اطمینان نداشتن از آنچه که بعد از مرگ رخ می‌دهد (آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۸۷: ۱۵۹) و ارتباط آن با گناهان اهمیت زیادی داشت. در اسلام نیز بسان غالب ادیان به مقوله مرگ و محاسبه گناهان توجه خاصی شده بود و درحالی‌که نیکوکاران درباغ‌های بهشتی و نعمت‌های فراوان کامروا می‌شدند، گناهکاران به دریای فروزان آتش دچار عذاب دردناک می‌گردیدند (طور: ۱۷ و ۶). با اینهمه، همواره راه‌هایی پیش روی افراد وجود داشت تا به آمرزش ورهایی از گناهان دست یابند، از جمله مطابق با اعتقادات شیعی یکی از این راه‌ها زیارت اماکن مقدس بود.

در باب گناه می‌توان گفت انسان مومن حتی در شرایط طبیعی هم به سبب احساس مخلوقیت، باور به هیچ بودن خود و احساس خوف و خشیتی که دارد (پیترسون، ۱۳۹۲: ۳ و ۴)، با نوعی شرم و احساس گناه در برابر خالق با عظمت خود قرار می‌گیرد. در فرهنگ اسلامی کم نیستند عابدان و زاهدانی که به هنگام عبادت باحالتی لرزان و گریان در برابر خداوند قرار می‌گرفتند. با اینهمه، ارتکاب به گناه یا تجاوز از قانون شرع تبدیل به بارسنگینی بر وجدان فرد می‌شد، این مهم در کنار احساس مخلوقیت از سویی و عظمت باریتعالی از سوی دیگر، نیاز به پناهی یا ابزاری برای کسب فیض در برابر خالق را به وجود می‌آورد تا در پرتو آن با آمرزش گناهانش به آرامش وجدان دست یابد.

تنها زندگان نبودند که با زیارت اماکن مقدس و پاک شدن گناهان‌شان و رهایی از عذاب وجدان دنیوی و کسب ثواب فراوان به عنوان فردی نیکوکار زمینه رسیدن به بهشت را فراهم می‌کردند، بلکه مطابق با اعتقادات جامعه شیعی دفن شدن در کنار مقابر مقدسی چون آرامگاه امام حسین (ع) فوزی عظیم داشت و گذشته از کاهش فشار قبر، بواسطه آن سرور به راحتی به بهشت نایل می‌شدند (هدین، ۱۴۵: ۱۳۸۱). این خصوصیت بنوعی به همه امام زادگان تعمیم یافت. در داخل ایران اولویت با تدفین مردگان در کنار آرامگاه امام رضا (ع) بود، سپس امام زادگان مطرحی چون امامزاده شاه‌چراغ در شیراز، امامزاده حسین در قزوین، حضرت عبدالعظیم در شهرری و حضرت معصومه (س) در قم که دفن شدن در درجوار حرم آنها در حکم جواز ورود بهشت بود (جکسن، ۱۳۵۷: ۴۴۶). هرچند تدفین مردگان در جوار امام زادگان جهت کسب ثواب و آمرزش خواهی امتیازی اجتماعی و معنوی به حساب می‌آمد، اما بخصوص در اماکن مقدس مطرح چندان کم هزینه نبود و افراد معتقدگاه باید مبلغی کلانی بابت خرید قبر بپردازند (سرنا: ۱۵۷).

مهم‌ترین ابزار زائران برای برآورده شدن حاجات و خواسته‌هایشان دعا و راز و نیاز بود. دعا گاه با مرور خطاها و گناهان توأم بود و جنبه خود سرزنشی داشت و گاه جنبه شکر گذاری از خداوند یا درخواست بر طرف شدن مشکلات را پیدا می‌کرد. البته، دعا زمانی که فرد خواستار تنبیه شدن افرادی می‌شد که اسباب نارضایتی‌اش را فراهم ساخته بودند جنبه منفی به خود می‌گرفت. هرچند برخی دعای حقیقی را دعایی می‌دانند که فرد باورمند و دیندار انجام می‌دهد و دعای افرادی که اعتقادی ندارند و در مواقع گرفتاری‌ها یا برای کسب منفعتی دست به دعا برمی‌دارند، را غیرحقیقی می‌دانند، اما همواره دلایل قانع کننده ای برای نجات افراد وجود داشت (شهیدی، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

در نهایت، اینکه زیارت مقابر مقدس و عبادت و راز و نیاز در آنها اسباب نوعی دگرگونی و نشاط معنوی مومنان را فراهم می‌آورد (وامبری: ۲۷۵ و بروگش: ۱۹۴) نیز قابل بحث است. بنظر می‌رسد، زیارت گذشته از تغییر در زندگی یکنواخت روزمره با ایجاد تجربه معنوی حاصل از قرار گرفتن در مکان مقدس و احساس نوعی تضمین در زندگی دنیوی و اخروی در فرد، منجر به نوعی آرامش روان، خوشنودی و رضایت از زندگی می‌گردد. با اینهمه، درباب نشاط معنوی و آرامش برآمده از زیارت و دیدگاه‌های متعددی وجود دارد: پاره‌ای نظریات آن را نتیجه مواجهه وجدان بشری با حقایقی وصف ناپذیر می‌دانند (یونگ، ۱۳۹۰: ۱۲۴) و برخی آن را نوعی خیال می‌دانند که مانع از حاکم شدن انسان بر خرد و اندیشه‌اش و نیز شناخت و به‌کارگیری توانایی‌هایش می‌گردد (جلالی مقدم، ۱۳۷۹: ۱۵۹). در نقد این نظرمی توان گفت که احساسات و عواطف دینی و اعتقادی، چون احساس گناه، احساس نجات یافتگی در غالب ادیان وجود دارد و به سبب ماهیتی که دارند بلحاظ روش شناسی نمی‌توان صرفاً با رویکردهای طبیعی و تجربی به کنه آنها دست یافت، در برخی موارد تنها می‌توان توصیفی از آنها ارائه داد.

۵. امام‌زاده‌ها: سفر و ارتباطات فرهنگی در عصر ناصری

پدیده اجتماعی سفر به مفهوم جابجایی انسان از محل سکونت خود به مناطق دیگر که با اهداف و انگیزه‌های مختلفی صورت می‌پذیرد، همواره با مسائل و مشکلات خاص خود مواجه بوده است. از اهم این مشکلات در دوره قاجار، بدی وضعیت راه‌ها، شرایط آب و هوایی نامساعد، رفتار تند چاروادارها، کاروان‌سراهای فاقد امکانات و وجود حیوانات موذی در آنها بود که سفر را سخت دشوار می‌ساخت (سرنا: ۲۱ و فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۴۱ و

۱۳۸). افزون بر این مشکلات، وجود راهزنان و یاغیان نیز مزید علت گشته و شرایطی را به وجود آورده بود که به قولی برای سفر: « باید خود را به خدا سپرد که هر چه باید بشود آن شود و هیاهوی بیهوده در این دنیای وانفسا هیچ فایده ای ندارد». تحت این شرایط اگرچه غالب ایرانیان ماندن در خانه و کاشانه خود را بر سفر و سیاحت ترجیح می‌دادند (برد و استون، ۱۳۷۶: ۳۸)، اما انگیزه زیارت مقابر مقدس بیشترین جمعیت مسافران را در دوره مورد بحث به خود اختصاص داد. در این میان، حکومت ناصری با تامین امنیت نسبی و ایجاد و بازسازی راه‌های مختلف (بایندر، ۱۳۷۰: ۳۹۰) از جمله راه‌های تهران به خانقین و جنوب، تاسیس راه قم به حرم عبدالعظیم، ایجاد مهمانخانه‌ها و کاروانسراهای مختلف (قازیها: ۱۷۴)، زمینه رشد فزاینده سفرهای زیارتی را فراهم آورد (اوبن، ۱۳۹۱: ۴۵۳).

از مهمترین اماکن مقدس، در درجه اول آرامگاه امام رضا (ع) به عنوان عالیتین نماد شیعی در ایران بود، سپس امامزاده‌هایی که بنا به دلایلی چون انتساب نزدیکتر به امامان، وجود روایات بیشتر در مورد مقام آنها، اهمیت بیشتری داشتند. در این راستا می‌توان به مدفن حضرت معصومه (س) در قم که طبق روایات منقول از معصومین با زیارت آن مزار، بهشت برای زائر واجب می‌گردید و حرم حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری که زیارت مقبره‌اش معادل زیارت امام حسین (ع) بود، اشاره کرد (قمی: ۴۴۶ و ۴۵۰). گذشته از دیگر مقابر مطرح تری چون امامزاده علی بن باقر (ع) در مشهد اردهال، شاه چراغ در شیراز و شاهزاده حسین در قزوین، خیل کثیری از امامزاده‌ها در مناطق مختلف ایران قرار داشتند که تحت تاثیر عواملی چون چگونگی انتساب آنها به امامان، شهرت بیشتر، موقعیت جغرافیایی، نقل کرامات و خرق عادت از آنها وضعیت متفاوتی داشتند. برغم برخی امامزاده‌های محلی که جنب و جوش چندانی در آنها وجود نداشت، پاره ای از این دست امامزاده‌ها مثل عینال وزینال، امامزاده سید ابراهیم، امامزاده آقا میریعقوب در تبریز به شدت مورد توجه بودند (اوبن: ۶۳-۶۸).

موقعیت جغرافیایی اماکن مقدس و سهولت دسترسی به آنها در اقبال زائران به آنها اهمیت خاصی داشت. اگر آمار زائران که در خلال منابع بدست می‌آیند را محل اعتنا قرار دهیم: مشهد با ۴۰ هزار نفر (گلد اسمید، ۱۳۹۵: ۶۹)، قم با کسر دوازده هزار نفر ساکنان دائمی آن از ۶۰ هزار نفر جمعیت متغیرش، حدود ۴۸ هزار نفر (اوبن: ۳۲۶) و شاه عبدالعظیم حدود ۳۰ هزار زائر (بنجامین، ۵۴) را در طول سال پذیرا بودند.

در زمینه طبقات اجتماعی شرکت کننده در سفرهای زیارتی اگرچه داشتن ثروت به خصوص برای سفرهای طولانی ضروری بود و به رفاه حال مسافر کمک می کرد، اما با توجه به بعد اعتقادی آن، بنا به مستندات موجود همه طبقات جامعه گاه با گذشتن از اندک دارایی خود به امر زیارت اهتمام می ورزیدند. در راس هرم قدرت، ناصرالدین شاه بارها به همراه درباریان و حرم سرایش که گاه به یکصدتن می رسیدند (یادداشت‌های از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲: ۸۱) گذشته از سفر به عتبات و مشهد به زیارت عبدالعظیم در ری و حرم حضرت معصومه (س) در قم رفت. زبیده خانم شاهدخت قاجاری افتخار می کرد که بیست بار به عتبات و ده بار به مشهد رفته است (عضدالدوله، ۱۳۵۵: ۳۲).

بنا به گزارشی از اماکن مقدسی چون حرم امام رضا و حرم حضرت معصومه (س) افراد مختلف فارغ از قومیت و نژاد اعم از فقیر و غنی، ارباب و نوکر، خان‌ها، فرماندهان نظامی، میرزاها، تجار، کارگران و کشاورزان تهیدست در آنها به زیارت مشغول بودند که تحت جذب معنوی آن مکان مقدس گویی برای یک لمحّه تمایزات همه این قشرهای اجتماعی از میان رفته بود. همچنین، وجود پارچه‌های تولیدشده در انگلستان، کشمیر، هند و پارچه‌های ساده که مردم برای ادا شدن حاجاتشان در قم به درختان آویزان کرده بودند نیز بیانگر حضور زائران از قشرهای مختلف اجتماعی بود (وامبری: ۹۴ و ۲۷۵). در نهایت، به قول مستوفی حتی گروه‌هایی چون «دش‌ها» که به کارهایی چون کفتر بازی، سهره بازی، فناری بازی و تربیت قوچ جنگی و خروس جنگی و غیره اشتغال داشتند نیز برای زیارت، رهسپار اماکن مقدسی چون امام زاده داوود می شدند. کمتر فردی از اینها بود که سالی یکبار به زیارت آن نرود به گونه‌ای که امام زاده داوود به «مکه مشدی‌ها» معروف شده بود (مستوفی: ۳۰۵). زیارت و سفرهای زیارتی بنا به دلایلی چون گذر مردم از مناطق مختلف و تجمع اقوام و قشرهای مختلف در اماکن مقدس می گردید از عوامل بسیار مهم تعاملات فرهنگی در جامعه نسبتاً راکد قاجار به حساب می آمد.

نکته حائز اهمیت آنکه زیارت اماکن مقدس موانع سنتی موجود بر سر راه زنان را نیز تسهیل کرده بود و به آنان مجال داد تا جهت کسب فیض از خانه خارج شوند. نه تنها زنان مسن جهت رستگاری و رسیدن به بهشت قدم در راه پرمشقت سفر زیارتی می گذاشتند (مالکوم، ۱۳۹۴: ۱۴۵) که زنان جوان هم گام در این راه معنوی نهادند. گذشته از حرم عبدالعظیم در شهر ری که به خاطر نزدیکی به تهران بیشتر زنان این شهر را پذیرا

بود، حرم معصومه در قم پذیرای خیل عظیمی از زنان سراسرکشور بود (کززون: ۴۵۷ و بروگش: ۱۹۵).

در کنار سفرهای زیارتی خاص که جنبه معنوی آن می چربید و با دل کندن از دنیای مادی و ذکر و دعا توأم بود، سفرهای زیارتی و تفریحی هم مورد توجه بود. برای مثال، حرم عبدالعظیم در شهری که حکم بوستانی سبز و خرم را داشت سالانه پذیرای حدود سیصد هزار نفر عمدتاً از تهران و مناطق اطراف آن برای زیارت و تفریح گردید و به تفرجگاه عمومی تبدیل مبدل شده بود (بنجامین، ۱۳۶۳: ۳۸). بعد از آنکه ناصرالدین شاه راه آهن تهران - ری را ساخت با هجوم زائرانی مواجه شد که مشخص نبود در وجود آنها شوق سفر با این اسب بخار آهنین یا زیارت کدام بردیگری غالب می آمد (برد و استون: ۹۹). مطالعه منابع این دوره کاملاً گستردگی سفرهای زیارتی و سیاحتی که شوق معنوی و دنیایی را درهم می آمیخت در مناطق مختلف ایران نمایان می سازد.

در پیوند با سفر و زیارت، خطرات بیشمار و متعدد جاده‌ها باعث شده بود مسافران قبل از شروع سفر با زیارت امامزاده محل خود با دعا و تضرع از خداوند بخواهند بواسطه مقام او از آسیب های بی شمار سفر در امان باشند، به همین سبب ناصرالدین شاه قبل از سفرش به اروپا به زیارت عبدالعظیم حسنی شتافت (بنجامین: ۱۳۴). این سنت قدیمی توسط به امام زادگان جهت نوعی تضمین برای سلامتی در سفر، هنوز هم در مناطقی چون یزد توسط مسافران نگران از خطرات جاده ای تداوم یافته است.

از سوی دیگر خیل عظیم امام زاده ها و تاسیسات آنها در کنار راه‌ها برای مسافران کارکرد اقامتی نیز داشتند. برای مثال، امامزاده هاشم در جاده هراز با توجه به شرایط سخت جغرافیایی و در برف و بوران پناهگاه مسافران بود (بوهرلر، ۱۳۵۷: ۹). همچنین، مسافرانی که بعد از طی بیابان گرم و سوزان سیستان به آرامگاه شاه نعمت الله با مناره های فیروز فامش در ماهان نزدیک کرمان می رسیدند با بهره بردن از سایه درختانش و آب قناتی که با درآمد موقوفات از آن مراقبت می شد، ضمن زیارت و انجام امور دینی پس از استراحت به سفر خود ادامه می دادند (سایکس، ۱۳۶۳: ۱۷۹).

۶. پیوند امام زادگان با مسائل قضایی

پیوند امام زادگان با مسائل قضایی تاحدی ریشه در تقدس و امن تلقی شدن حرم آنها داشت. بنظر می رسد این خصوصیت ناشی از امن و امان بودن خانه کعبه برای مردم بود^۱

که به مسجدالحرام و در نهایت به مقابر شیعی تعمیم یافته بود. برای این اساس، گذشته از آستان مقدس امام رضا(ع)، امام زاده‌های مطرحی چون حضرت عبدالعظیم و حرم حضرت معصومه که حتی مجرمین تحت تعقیب شاه یا حکومت با پناهنده شدن به آنها مورد عفو قرار می‌گرفتند (سرنا: ۱۵۸) سایر امام زاده‌ها هم به تناسب چنین کارکردی را داشتند.

اینکه مردم برای رهایی از ظلم و احقاق حق خود یا مجرمان برای فرار از مجازات به اماکن مقدس متوسل می‌شدند تا حد زیادی ریشه در نقایص دستگاه قضایی هم داشت. از جمله مشکلات نظام قضایی آنکه قضاوت به عنوان یک حرفه تخصصی به حساب نمی‌آمد و توسط افراد مختلفی چون شاه، حکام، خان‌ها، کدخداها و نظایر آنها اعمال می‌شد. همچنین، قضاوت همواره بر اساس قوانین مجزا از خلق و خوی قاضی صورت نمی‌پذیرفت. اگر قاضی ناراحت بود در مواردی برغم عدم تناسب جرم با مجازات دستور کشتن یا قطع دست می‌داد (تبریزی، ۱۳۸۶: ۳۸). برای مثال، یک‌بار فردی طلای شاه را دزدید در شرایطی که مجازات دزد از نظر شرع به‌عنوان مدون‌ترین قانون موجود قطع دست دزد بود، شاه با عصبانیت دستور قتل او را داد (صفایی، بی تا: ۴۶). از دیگر مشکلات سیستم قضایی بحث رشوه بود که همانطور که گاه بزرگترین جرم‌ها را نادیده می‌گرفت ناتوانی در پرداخت آن نیز مشکلات اساسی به وجود می‌آورد. در پیوند با نظام قضایی و مجازات، بحث شکنجه و زندان مطرح می‌شد که برای مجرمان واقعی یا بی‌گناهان بسیار بیرحمانه هولناک می‌نمود (فوروکاوا: ۸۷). گزارش‌هایی از زندان‌های این عصر در دست است که نشان می‌دهد زندان برای زندانیان مجرم و یا بیگناهی که هیچ دعوی علیه آنها اقامه نشده بود، تنها به سلب آزادی آنها منحصر نمی‌شد، بلکه شرایط بسیار بد آنها در مواردی منجر به مرگ آنها می‌گردید (دروویل، ۱۳۸۹: ۱۹۲ و سرنا: ۱۳۳).

هرچند شاه و در مواردی صدراعظم می‌توانستند باعث نجات فردی از دست حکام و زورمندان شوند، اما مسئله مهم دسترسی به آنها بود. برای مثال، هنگامی که در یزد عصر ناصری بین شاهزاده جلال‌الدوله و صدر شریف از بزرگان آن شهر اختلافی پیش آمد، صدر شریف برای عرض شکایت عازم تهران شد، اما در میانه راه توسط شاهزاده دستگیر شد. او که بازگشت به یزد را خطرناک یافت، در فرصتی مناسب از دست ماموران گریخت و به امام زاده ابوزید آباد (در روستایی نزدیک کاشان) که از دید مردم محل، سوای شهادت مظلومانه اش توسط بنی امیه، به داشتن کرامات عدیده ای شهرت داشت (صفاء السلطنه: ۸۴)، پناهنده گشت. برای این اساس، هنگامی که صدر شریف به ضریح چسبید و فریاد زد که اینها می

خواهند مرا در امامزاده بکشند مردم از زن و مرد، پیر و جوان اطراف امامزاده جمع شدند و در پاسخ ماموران که گفتند: «این مقصر حضرت والاست» گفتند: «این امامزاده اولاد پیغمبر است، حضرت والا چه کاره است؟ شاه چه کاره است؟».

در نهایت، مردم روستا ماموران را از صحن امامزاده بیرون کردند، جالب آنکه حتی اسب و وسایل صدرشریف را نیز از آنها گرفتند چراکه اموال او نیز تحت حمایت امامزاده قرار داشت. صدرشریف ضمن نامه‌ای به صدر اعظم با بیان علت اختلافاتش، از او یاری خواست. پس از گذشت چند روز تلگرافی رسید مبنی بر اینکه ماموران باید اجازه دهند تا او به تهران برود، بدین ترتیب غائله ختم گردید. جالب آنکه وقتی صدر به کدخدا وعده تعارفی داد او قاطعانه جواب داد «شما مهمان امامزاده هستید و ماها نوکر امامزاده و امت جد او و شیعه پدر امامزاده و تا جان داریم از شما محافظت می‌کنیم و توقعی هم نداریم (رضوی، ۱/۱۳۸۸: ۱۹۸). البته بست نشینی کاربردهای دیگری هم داشت از جمله به هنگام اختلافات مالی که طرفین از نزاع و آسیب به یکدیگر بیم داشتند به نقطه بست در بارگاه امام یا امامزاده می‌رفتند و تحت نظارت آن فرد مقدس در کمال امنیت و تحت تاثیر فضای معنوی به حل مشکلات خود می‌پرداختند (کرزون: ۲۱۹).

هنگامی که امیرکبیر کوشید با اصلاحات قضایی و اجرای قانون به بست نشینی که زمینه فرار جنایتکاران و مجرمان واقعی را هم از قانون فراهم آورده بود (وامبری: ۹۴) خاتمه دهد، لیدی شیل انگلیسی به نقد آن پرداخت. از دید او در حکومت بی قانون مردم برای احقاق حقوق خود یا فرار از شکنجه و ستمگری به بست متوسل می‌شدند و لغو آن آخرین امید برای فرار از ظلم کارگزاران دیوانی و نیز بی‌گناهی که به این وسیله رهایی می‌یافتند را بر باد می‌داد. او در نهایت، نتیجه گرفت که منفعت کلی و آسایش رعایا این است که چنین مفری برپا و برقرار باشد (آدمیت، ۱۳۶۱: ۴۳۳). باینهمه، هرچند بعد از قتل امیر رسم بست نشستن به مراکزی چون آرامگاه امام رضا (ع)، حرم حضرت معصومه (س) و حرم عبدالعظیم محدود شد، اما عملاً در امامزاده‌های دیگر هم برقرار ماند و نادیده گرفتن آن توسط حکومت احتمال شورش مردم را در پی داشت (بروگش: ۱۶۴).

در فقدان نظام قضایی مقتدر کارکرد حل اختلافات و منازعات در غالب امامزاده‌های شهر و روستا در جریان بود. برای مثال، در ساغند (در استان یزد) امامزاده‌ای بنام شاهزاده قاسم بن عباس وجود داشت که از معجزات او مرگ دزدی بود که با سوگند دروغ در برابرش سرقت قلمدانی را کتمان کرده بود (صفاء السلطنه: ۴۶). رواج چنین اخباری در مورد

امام زاده کافی بود تا برخی دزدان و مجرمان روستایی وقتی در برابر امام زاده قرار می‌گرفتند از شدت ترس به خطای خود اعتراف کنند. همچنین، در برخی مناطق عمدتاً روستایی در شرایطی که اختلاف یا بی‌اعتمادی بین دونفر رخ می‌داد سوگند خوردن در برابر امام زاده‌ها آخرین گام برای حل اختلافات و روشن شدن حقانیت بود (صفاءالسلطنه: ۴۶). سرانجام، در جامعه‌ای که همواره در برابر هجوم بیگانگان قرار داشت و فقدان ساختارهای قانونمند و مستحکم زمینه‌های زورگویی و تعدی به جان و ناموس مردم را به صورت امر عادی درآورده بود گاه‌پناه بردن به امامزاده‌ها و اماکن مقدس یگانه راه حل مطمئن و ایمن به حساب می‌آمد (ممتحن الدوله، ۱۳۵۳: ۱۲۲).

۶. کارکردهای سیاسی و اقتصادی امام زاده‌ها

مقوله امامزاده‌ها بتاسی از مقابر امامان شیعی به دلیل اختلافات علویان با امویان و عباسیان از همان ابتدا شکل سیاسی و اعتراضی به خود گرفت، زیارت مدفن امام حسین (ع) توسط شیعیان و ممانعت خلفایی چون متوکل عباسی بیانگر چنین امری بود. این وضعیت در خلافت عباسی نیز ادامه یافت و شهادت امام رضا (ع) و در پی آن تعقیب و شهادت برخی علویان، این وجه اعتراضی را در ایران نیز کاملاً فراگیر ساخت. براین اساس، پاره‌ای از حکومت‌ها بخصوص دولتهای شیعی بنا به اعتقادات خود و تمایل به گسترش این مذهب و نیز ایجاد انسجام جامعه شیعی در راستای سیاست‌های خود به مقابر بزرگان شیعه توجه خاصی مبذول داشتند. در این راستا می‌توان به تلاش‌های آل بویه در ساختن مقابر امامان شیعی عراق و ترغیب مردم به زیارت آنها اشاره کرد (فقیهی، ۱۳۴۷: ۱۲۴).

گذشته از صفویان که به دنبال رسمی کردن آیین تشیع برای نشان دادن تمایز حکومت و جامعه خود در مقابل خیل عظیم جوامع سنی و نیز تعمیق تشیع در جامعه ایرانی توجه خاصی به ساخت امامزاده‌ها و تدوین زیارتنامه‌ها داشتند، حتی حکامی چون نادر شاه افشار هم برغم سیاست‌های مذهبی شان گاه به تعمیر اماکن مقدس پرداختند (کرزن ۲۱۴). حکومت قاجار اگر چون صفویان حکومت دینی به شمار نمی‌رفت و با مسئله رسمی کردن تشیع مواجه نبود، اما شاهان قاجار بنا به اعتقادات شخصی خود و بخصوص در مقام بزرگترین قدرت شیعی در مقابل خلافت سنی عثمانی جا پای صفویان گذاشتند و در تعمیر، احیا مقابر و بقاع مقدس به عنوان نمادهای هویت شیعی اهتمامی جدی نمودند. نگاهی به

سابقه امامزاده ها و تعمیرات آنها بدرستی از اهتمام شاهان قاجار و به خصوص ناصرالدین شاه در این زمینه پرده برمی دارد.

ناصرالدین شاه در سفرهای متعدد زیارتی خود ضمن بازدید از مناطق مختلف به رفع نابسامانی ها نیز همت گماشت، چنانکه سفر شاه به عتبات منجر به بهبود جاده تهران به خاتقین واستقرار قراسواران در جاده ها گردید. همچنین سفرهای ناصرالدین شاه به مشهد و قم منجر به اصلاح جاده ها، پل ها و مسائل مختلف شهرها گردید و در مواردی موجبات فروکش کردن بحران‌هایی چون کمبود مواد غذایی را هم فراهم ساخت. شاه در این سفرها، فارغ از گزارش‌های درباریان درباره اوضاع مملکت که اغلب مشحون از چاپلوسی و اغراق بود ساعت ها به شکلی رو در رو، بدور از تکلفات شاهانه با طبقات مختلف مردم گفتگو کرد. همچنین، با حضور در اماکن زیارتی مشهد، شهر ری و قم ضمن آگاه شدن از انتقادات مردم، توسط زائران از اخبار مناطق مختلف مملکت نیز آگاهی می یافت. یکی از کارهای شاه در سفرهای زیارتی که وقت زیادی از او را می گرفت خواندن نامه های مردم بود (قاضیها: ۱۸۰ و ۷۳ و ۱۱۱). البته، تحت تاثیر همین رویه میرزا رضای کرمانی به شاه نزدیک شد و او را به هنگام ورود به امامزاده حمزه در شهر ری ترور کرد. (کرمانی، ۱۳۴۶: ۱۱۰)

در زمینه کنترل حکومت بر متولیان مقابری شیعی گذشته از امامزاده ها کوچک و میانه که تولیت آنها در میان سادات به گونه ای موروثی بود یا از سوی مردم انتخاب می شدند، وضع در زمینه اماکن معتبرتر فرق می کرد. گذشته از حرم حضرت عبدالعظیم (س) که تولیت آن بنوعی تحت نظارت حکومت بود حرم حضرت معصومه (س) هم با وجودی که تولیتش از دوره صفوی در میان یک خانواده موروثی بود، تحت نظارت حکومت و گاه شخص شاه قرار داشت. با اینهمه، حکام مناطق مختلف در مواردی ناگزیر بودند بدلیل ترس از شورش مردم یا دچار نشدن به سرنوشت حکامی که بدلیل مخالفت با امامزاده و متولیان به عذاب های مختلفی نظیر مردن ناگهانی خود و بستگانشان دچار شدند، در مقابل نفوذ متولیان و توسعه اراضی وقفی که باعث نقصان در آمدشان می گردید، سکوت اختیار کنند (ابن: ۱۰۲)

از سوی دیگر، عصر ناصری شاهد استفاده روزافزون از جایگاه امامزاده ها توسط گروه های ناراضی از اقدامات حکومت هستیم، از جمله مردم فریدن اصفهان که از ظلم حاکم خود به تنگ آمده بودند در یک حرکت اعتراضی به اصفهان آمدند و در حرم امامزاده احمد

بست نشستند (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۳: ۳۸). بدنبال مخالفت آیت الله فال اسیری با امتیاز تنباکو در شیراز و تبعید او به بوشهر، مردم شهر عملاً بر علیه شاه قیام کردند و در حرم شاهچراغ تحصن نمودند، هرچند، ماموران حکومت باتیراندازی به این اقدام آنها پاسخ دادند (اصفهانی کربلایی، ۱۳۸۹: ۹۳). سید جمال اسدآبادی از مخالفان حاکمیت نیز به حرم عبدالعظیم پناه برد و به سخنرانی پیرامون اصلاح امور کشور پرداخت که با استقبال خیل عظیم جمعیت مواجه گردید، هرچند سرانجام از صحن امامزاده بیرون کشیده شد و از ایران اخراج گردید (کرمانی: ۷۸). در تداوم این روند، هنگامی که علما و مردم طی انقلاب مشروطیت با بهره گیری از تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم (س) و حرم حضرت معصومه (س) به مبارزه علیه استبداد پرداختند، امامزاده ها بیش از پیش در کانون امور سیاسی قرار گرفتند

در عرصه اقتصادی، ثروت مقابر مقدس که عمدتاً حاصل نذورات زائران و موقوفات اهدایی طبقات مختلف بود تحت تاثیر عوامل مختلفی در نوسان بود. بر این اساس، آستان مقدس امام رضا (ع) نسبت به زیارتگاه های دیگر شرایط متفاوتی داشت، به گونه ای که به دلیل اهدای جواهرات، نقدینگی، مستغلات و املاک و ققی به لحاظ میزان ثروت یکی از خزائن ذیقیمت قاره آسیا به شمار می رفت (سایکس: ۲۹). البته، در آمد آن مزار مقدس تحت تاثیر ثبات سیاسی و نیز وضعیت اقتصادی تغییر می کرد، برای مثال در سال ۱۸۲۱م تا ۲۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ هزار تومان در سال ۱۸۷۸م ۴۰۰۰۰ هزار تومان و در عصر ناصری به ۶۰۰۰۰ هزار تومان رسید. (کرزن: ۲۲۸-۲۲۹).

افزایش بی سابقه زائران حرم عبدالعظیم در دوره ناصری و اهدای هدایا و نذورات این امامزاده را از ثروت بسیار زیادی برخوردار ساخته بود. آرامگاه حضرت معصومه (س) در اثر نذور و هدایای خیل عظیم زوار و نیز مبالغ کلانی که شاهان قاجار صرف آن می کردند و نیز طلا آلات فراوانی که حرم سرای شاه نذر آن می کردند ثروت زیادی داشت (موریه: ۲۲۰). همچنین، بخشی از ثروت آن حاصل اشیاء نفیس باقیمانده از ادوار قبل به خصوص دوره صفویه بود. برای مثال، قالیچه هایی که شاه عباس نذر این آستانه کرده بود را دو ارمنی حاضر شدند تا ۶۰ هزار تومان بخرند که برغم تمایل متولی به انجام این معامله، ناصرالدین شاه آن را جزو نفایس تاریخی دانسته و قاطعانه با فروش آنها مخالفت کرد (پادداشت هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه: ۸۴).

در کنار امامزاده‌های گمنام که موقوفات و نذوراتشان به سختی هزینه روغن چراغ آنها را تامین می‌کرد (صفاء السلطنه: ۴۵)، بخش زیادی از امامزاده‌ها از ثروت خوبی برخوردار بودند. مثلاً در آذربایجان امامزاده‌هایی چون سید ابراهیم که برادر امام رضا (ع) تلقی می‌شد به سبب وقفیاتی چون موقوفه ظهیری که یک میلیون تومان ارزش آن بود، وضعیت خوبی داشت (اوبن: ۶۹). در همان آذربایجان، امامزاده آقا میر یعقوب به دلیل سرازیر شدن خیل زوار از آذربایجان و قفقاز و هدایا و نذورات آنها وضعیت مالی مطلوبی داشت (اوبن: ۱۰۱).

اینکه درآمدهای این زیارتگاه‌ها مصرف چه امری می‌شد، پرسش دشواری به نظر می‌آید. بخشی از درآمدها صرف تزئین و توسعه هر چه بیشتر بنای امامزاده‌ها می‌شد. بر این اساس، میزان شکوه و جلال بنای امامزاده‌ها بیانگر ثروت و رونق بیشتر آنها نیز به حساب می‌آمد. در امامزاده‌های طراز اول و متوسط قسمتی از درآمدها بابت ارائه خدمات مذهبی صرف خدام و گماشتگان وابسته به آنها می‌شد. همچنین، قسمتی دیگر از درآمدها صرف پذیرایی از زائران و نیز طیف گسترده‌ای از فقرا می‌گردید (قاپلیها: ۷۰ و اوبن: ۶۹). در غالب امامزاده‌ها همواره صدها تن از سادات، درویش و فقرا حضور داشتند (سایکس: ۱۷۹) که تعداد آنها در سال‌های قحطی بسیار پررنگ می‌نمود (گلد اسمیت: ۶۷). در نهایت بخشی از دارایی‌های اماکن مقدس به خصوص در بحران‌ها و آشفتگی‌های سیاسی توسط افراد مختلف غصب می‌شد.

کلیه امور امامزاده‌ها از جمله درآمدها و هزینه‌ها بر عهده متولی بود. هر چند در امامزاده‌های مطرح‌تر گروهی از سادات و علما بخصوص شخص شاه یا حکام او به گونه‌ای بر اقدامات متولی نظارت داشتند، باینهمه در غالب امامزاده‌ها ثروت زیادی در اختیار متولیان بود. برای مثال، تولیت حرم معصومه که در دوره ناصری بر عهده فردی به نام حاجی سید محمد باقر بود گذشته از اراضی وقفی فراوان مبالغ متناهی پول در اختیارش بود. گذشته از این امامزاده معتبر، غالب امامزاده‌ها مطرح محلی گاه از درآمد بالایی برخوردار بودند که بخشی از آن به مصارف امامزاده و بخشی از آن زیر نظر متولیان صرف مسائل مختلف می‌گردید (اوبن: ۱۰۱ و ۳۲۶).

وجود امامزاده‌ها باعث تاثیراتی اساسی بر چرخه اقتصادی مناطق مختلف می‌گردید. از جمله این اثرات رونق اقتصادی شهرهای زیارتی بود که بنا به قولی در ایران هر شهری که امامزاده‌ای جهت زیارت مردم نداشته باشد، کارش لنگ می‌زند (کرزن: ۴۵۷). در بسیاری از شهرها و مناطقی نظیر شهر ری، مشهد اردهال که امامزاده معتبری داشتند کثرت زائران

درآمد سرشاری برای مردم به همراه داشت (سرنا: ۲۴۷ و بروگش: ۱۹۵). اینگونه شهرها برغم آنکه کاروانسراهای متعددی داشتند، با این همه در برخی فصول سال جا برای سکونت یافت نمی شد (بروگش: ۲۲۶).

بازار شهرهای زیارتی نیز با عرضه تولیدات شهری و روستایی مایحتاج عمومی زوار را تامین می کرد. درکنار روستاییان که مستقیماً یا با واسطه دلالان مازاد تولیدات دامی و کشاورزی خود را به بازار این شهرها منتقل می کردند، صنعتگران نیز با تولید اشیاء کوچک و ارزان مثل نمکدان، چراغ، کوزه، سرچق، تسیح، طلسم برای آویزان کردن به اسب و قاطر و امثالهم کسب درآمد می کردند. به همین سبب ساکنین این مناطق نسبت به شهرهای دیگر از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردار بودند. (براون، ۱۳۹۴: ۱۹۹ و بروگش: ۱۹۵). درنهایت، طیف‌های چون ساریبانان، قاطرچیان باحامل زوار زنده و اجساد مردگان به اماکن مقدس پول زیادی کسب می کردند و زندگی آنها از این طریق تامین می شد (هدین: ۱۴۵).

۷. نتیجه گیری

بعد مذهبی اعتقاد و احترام به امامزادگان که تحت تاثیر مواردی چون نسبت با امامان شیعه، پارسایی و نیز شهادت مظلومانه برخی از آنها توسط امویان و عباسیان قرار داشت، زمینه را برای کارکردهای متنوع آنها در ساختار فرهنگی و اجتماعی ایران فراهم ساخت. اعتقاد و نیز ثروت‌های اماکن مقدس نه تنها مقبره آنها را محل تلاقی انواع هنرها کرده بود که زمینه حفظ و تداوم این هنرها و حمایت قشرهای مختلف دست اندرکار آنها را حتی در شرایط نامناسب اقتصادی فراهم آورد. نکته مهم آنکه ضرورت توجه به بقاع مقدس و نیز آسیب کمتر به آنها در جنگ‌ها و بحرانها، امامزاده‌ها را جزو معدود جاهایی درآورده که سبک‌های متنوع معماری و انواع هنرها را تا به امروز به عنوان میراث عظیم فرهنگی اسلامی و ایرانی حفظ کرده‌اند.

اصل تعمیم قدسیت از امامان به امامزادگان متناسب به آنها و به تبع آن مقدس تلقی شدن حرم آنها گذشته از آنکه زمینه شکل‌گیری مناسک‌ها و آداب و سنن مختلفی گردید و مقوله‌هایی چون شفاطلبی، حاجت‌خواهی، طلب‌آمزش و غیره را نیز بوجود آورد. فهم اینها نه تنها شناخت ما را از اعتقادات و خصوصیات مردم‌شناسی جامعه شیعی ایران بالا می برد که ما را به درک بیشتر وضعیت ساختار فرهنگی، اجتماعی و نیز مسائل قشرهای مختلف و از جمله زنان رهنمون می سازد.

از دیگر کارکردهای اعتقاد به امامزاده ها غالب آمدن بر موانع فراوان سفر در دوره مورد بحث بود که نتایج متعددی داشت: گذشته از آنکه سفرهای زیارتی - معنوی و زیارتی - سیاحتی به عنوان گسترده ترین انواع سفر زمینه تعاملات اقتصادی و فرهنگی را در جامعه نسبتاً بسته قاجار فراهم آوردند از انگیزه های مهم اهتمام حکومت به مرمت واحداث راه - ها، کاروانسراها و برقراری امنیت نسبی آنها نیز گردیدند. در نهایت تعداد بیشمار امام زاده ها که در مسیرهای مواصلاتی قرار گرفته بودند با امکانات جانبی خود به خصوص در شرایط نامساعد اقلیمی و نامنی جاده ها مورد استفاده گسترده مسافران قرار گرفتند.

نا امنی مداوم ناشی از مسائلی چون هجوم های خارجی و تعدیات حکام وزورگویان محلی که ترس را به به واقیعی دائمی مبدل می ساخت و از سوی دیگر نقایص سیستم قضایی در تامین امنیت جانی و مالی افراد و در نهایت امن تلقی شدن حرم امامزادگان زمینه پناهنده شدن و بست نشینی در امام زاده ها و حل اختلافات در شهر و روستا را از طرقی چون سوگند خوردن در برابر آنها فراهم ساخت. از منظر اقتصادی اگرچه ثروت های متعلق به امامزاده ها تاحدی باعث خروج سرمایه از چرخه تولید و اقتصاد ملی می شد، اما زمینه رونق بخشیدن به مواردی چون حمل و نقل مشاغل خدماتی در مناطق زیارتی مثل حمام ها، مهمانخانه ها و بازار به عنوان محل فروش محصولات مازاد روستایی و نیز تولیدات صنایع دستی شهری را فراهم آورد.

در عرصه سیاسی، گذشته از آنکه اهتمام حکومت و کارگزاران به زیارت، مرمت و بازسازی امام زاده ها فارغ از اعتقادات شخصی شان زمینه ساز محبوبیت و گاه مشروعیت آنها بود، اماکن مقدس محلی برای پیوند شاه و مردم نیز به حساب می آمد. سفرهای زیارتی ناصرالدین شاه گذشته از آنکه در طول مسیر اسباب آشنایی او با مشکلات مناطق مختلف را از نزدیک فراهم می ساخت، زمینه تعاملش با قشرهای مختلف مردم و آگاهی از انتقادات آنها را فارغ از گزارش های درباریان غالباً متملق و چاپلوس را نیز فراهم می ساخت. در نهایت، در این دوره شاهد بهره گیری مخالفان سیاست های حکومت از سنت بست نشینی در اماکن مقدس هستیم که این روند طی انقلاب مشروطیت با تحصن در حرم معصومه (س) و حرم عبدالعظیم (س) اوج گرفت

پی‌نوشت‌ها

۱. وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا: و (به خاطر بیاورید) هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم. (بقره: ۱۲۵)

کتاب‌نامه

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۱) امیرکبیر و ایران، تهران، انتشارات خوارزمی.
- آذربایجانی، مسعود، موسوی اصل، مهدی (۱۳۸۷) روان شناسی دین، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۴)، فرهنگ و دین، زیر نظر بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، نشر نو.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۸) مقدس و نامقدس، ترجمه نصرالله زنگویی، تهران، سروش.
- الیاده، میرچا (۱۳۹۶) اسطوره و واقعیت، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
- ابن ابی جمهور، محمدبن زین‌الدین (۱۴۰۳ ه.ق) عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، جلد ۴، محقق مجتبی عراقی، مقدمه شهاب‌الدین مرعشی، قم، موسسه سیدالشهداء، قابل دسترسی در سایت <https://hadith.inoor.ir>
- اتو، رودلف (۱۳۸۰) مفهوم امر قدسی، ترجمه و توضیح همایون همتی، تهران، نقش جهان.
- اصفهان‌کی‌کربلایی، حسن (۱۳۸۹) تاریخ دخانیه یا تاریخ وقایع تحریم تنباکو، به کوشش رسول جعفریان، تهران، مرکز انتشارات انقلاب اسلامی.
- افضل‌الملک، میرزاغلامحسین (۱۳۸۰) سفرنامه اصفهان، به کوشش ناصر افشاری فر، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- اوین، اوژن (۱۳۹۱) سفرنامه و خاطرات، ترجمه و حواشی علی اصغر سعیدی، تهران، نشر علم.
- بایندر، هاینری (۱۳۷۰) کردستان، بین‌النهرین و ایران، ترجمه کرامت ا... افسر، تهران، فرهنگ سرا.
- براون، ادوارد (۱۳۹۴) یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، نشر اختران.
- برداف، ال و استون، هارولد اف (۱۳۷۶)، گشت و گزاردی در ایران بعد از انقلاب مشروطیت، تهران، نشر جانان.
- بنجامین، س-ج-و (۱۳۶۳) ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین‌شاه قاجار، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران، سازمان انتشارات جاویدان.
- بوهرلر (۱۳۵۷) سفرنامه‌ها و جغرافیای گیلان و مازندران، به کوشش م.ب. جکتابی، لاهیجان، انتشارات لاهیجان.
- تبریزی، میرزا یوسف خان (۱۳۸۶)، یک کلمه، به کوشش علیرضا دولت‌شاهی، تهران، انتشارات بال.
- جکسن، آبراهام (۱۳۵۷) سفرنامه (ایران در گذشته و حال) ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران.

- حسین هاشمی، زهرا؛ علیان، فاطمه (۱۳۹۴) «سنت دفن مرده در جوار مزارات متبرکه شیعه از نگاه سفرنامه نویسان اروپایی»
- دائرة المعارف تشیع (۱۳۷۱)، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، بهاء‌الدین خرمشاهی و کامران فانی، تهران، موسسه دایره المعارف تشیع با همکاری نشر یادآوران.
- دروویل، گاسپار (۱۳۸۹) سفرنامه، تهران، انتشارات نیک فرجام.
- دوبوکور، مونیک (۱۳۷۳) رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، تهران، نشر مرکز.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳) صوربنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر مرکز.
- ریشارد، جان (۱۳۶۳) بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران، موسسه نوین.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۶۳)، سفرنامه یا ده هزار مایل در ایران، ترجمه سعادت نوری، تهران، انتشارات لوحه.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۲)، مردم و دیدنی‌های ایران، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.
- سلطانی مقدم، سعیده و اصلانی ملایری، ابراهیم (۱۳۹۴) «نقش و اهمیت مذهبی، فرهنگی و اجتماعی راه عتبات (قم - قصر شیرین) با تکیه بر رفت و آمد زائران شیعی در دوره قاجار»، دوره ۱۳، شماره ۵۰
- شفاء السلطنه، میرزا علی خان نایینی (۱۳۶۶) سفرنامه، به اهتمام محمد گلین، تهران، انتشارات اطلاعات.
- شهیدی، شهاب (۱۳۹۶) زبان دین، تهران، نقد فرهنگ.
- صفایی، ابراهیم (بی تا)، نامه‌های تاریخی، بی جا، چاپخانه رشیدی.
- عباسی، محمدرضا و بدیعی، پرویز (۱۳۷۳) گزارشات اوضاع سیاسی، اجتماعی و ولایات عهد ناصری، تهران، سازمان اسناد ملی.
- عضدالدوله، احمد میرزا (۱۳۵۵) تاریخ عضدی، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات بابک.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۴۷) شاهنشاهی عضدالدوله، قم، اسماعیلیان.
- فوروکاوا (۱۳۸۴) سفرنامه، دکتر هاشم رجب زاده، تهران، انجمن مفاخر فرهنگی.
- فووریه، ژوانس (۱۳۸۵) سه سال در دربار ایران ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ ه.ق، ترجمه عباس اقبال، تهران، نشر علم.
- قاضیها، فاطمه (۱۳۸۱) سفرهای ناصرالدین شاه به قم، تهران، سازمان اسناد ملی ایران - پژوهشکده اسناد.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۳) هدیه الزائرین و بهجه الناظرین، قم، موسسه جهانی سبطین.
- کارل بروگش، هاینریش (۱۳۷۴) در سرزمین آفتاب، ترجمه مجید جلیلود، تهران، نشر مرکز.
- کرزن، جرج (۱۳۷۳)، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ترجمه علامعلی وحیدمازندرانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۴۶) تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی اکبر سعیدی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ.
- گلد اسمید، فردریک (۱۳۹۵) سفرنامه، از بندرعباس تا مشهد از راه سیستان، امید شریفی تهران، انتشارات ایران شناسی.

- مالکوم ناپیر (۱۳۹۴) خاطرات مالکوم، ترجمه علی اکبر تشکری، تبریز، انتشارات بهار دخت. مجله رهیافت تاریخی - شماره ۱۰.
- محدثی، حسن (۱۳۸۱) دین و حیات اجتماعی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- محیطی اردکانی، احمد (۱۳۷۷) «امامزادگان: امامزاده احمد بن قاسم»، مجله فرهنگ کوثر، ۱۳ مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱) شرح زندگانی من، ج ۱، تهران، انتشارات زوار.
- مسعودی اصل، بهزاد و همکاران (۱۳۹۷) «مبانی معماری مقابر امامزادگان در ایران» مجله باغ نظر، س ۱۵، ش ۶۴.
- مکنزی، چارلز فرانسیس (۱۳۵۹) سفرنامه شمال، به کوشش منصوره اتجادیه، تهران، نشر گستره.
- ممتحن الدوله، میرزاهدی خان (۱۳۵۳) خاطرات، به کوشش حسینقلی خانشقاقی، تهران، امیرکبیر.
- موریه، جیمز (۱۳۸۶) سفرنامه (سفریکم)، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس.
- نواب رضوی، میرزا محمد (۱۳۸۸) خاطرات و کیل التولیه، ج ۱، به کوشش علی اکبر تشکری بافقی، تهران، انتشارات سخن.
- واعظ، نفیسه (۱۳۹۶) «انگیزه‌ها و پیامدهای سفر زیارتی بلندپایگان سیاسی قاجار به عتبات و حج» پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۹، شماره ۱ - ش ۱۵.
- وامبری، آرمینیوس (۱۳۷۲) زندگی و سفرهای وامبری دنباله سیاحت درویش دروغین، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- هدین، سون (۱۳۸۱) کویرهای ایران، ترجمه پرویز رجبی، تهران، انجمن مفاخر فرهنگی.
- هیوم، رابرت (۱۳۸۷) ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر علمی.
- یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه (۱۳۶۲)، تهران، نشر تاریخ ایران.